



گفت‌وگوی قدس با مجید یراق بافان درباره وضعیت برنامه‌سازی دینی

حلقه مفقوده ما شناخت نیاز مخاطب است



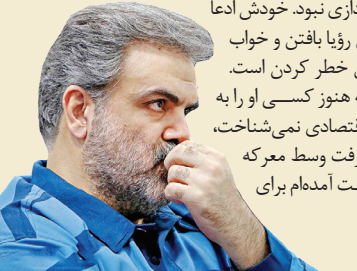
ورزش

تحصن ملی پوشان مدال آور برای گرفتن پاداش‌ها
کارد به استخوان قهرمانان رسید

گزارش از شخص

وقتی رشته‌های «پهلوان» پنبه شد

حتی فکرش را هم نمی‌کرد روزی برسد که مثلاً روزنامه‌ها تیتربند برنند پرونده «پدیده» روی میز رئیس جمهور، چه برسد به اینکه تصور کند، اخبار سراسری تلویزیون او را با لباس مخصوص زندانی‌ها به عنوان متهم ردیف اول پرونده «پدیده» نشان دهد. شرکتی که مدیرعاملش روزی درباره آن گفته بود: «تختستین و آخرین شرکت در دنیا که سهامش فقط رشد صعودی دارد و هیچ‌گاه نزولی نمی‌شود!» «محسن پهلوان مقدم» اگر چه نقشه‌های بزرگی در سر داشت، اما آدم خیال پردازی نبود. خودش ادعا می‌کرد بیشتر از اینکه اهل رؤیا بافتن و خواب و خیال دیدن باشد، اهل خطر کردن است.



ورزش

روزهای سخت رئیس جدید از راه می‌رسند
قطار هندبال روی ریل توسعه



ویلموتس تا ۲۴ ساعت آینده وارد ایران می‌شود

سناتور بلژیکی روی نیمکت تیم ملی؟

وقتی رشته‌های «پهلوان» پنبه شد

وقتی دیدید برگه‌های کاغذی را برای قرعه‌کشی به قیمت ۲۰۰ تومان به مردم می‌فروشد، فهمید می‌شود به کمک تبلیغات، سهام کاغذی پدیده را با ۱۰۰ یا ۲۰۰ تومان به مردم فروخت و بعدها سرفروخت ارزش آن‌ها را به ۱۲ هزار تومان افزایش داد! او شعبده تبلیغات را خوب یاد گرفت برای همین به قول خودش برای رستورانی که در مجموع ۲۲ میلیون تومان خرج ساختن کرده بود، ۲۸ میلیون تومان پول تبلیغات داد.

می‌رسید. آب و برق و امکانات نبود. به طوری که با سطل از چاه‌ها آب می‌کشیدیم. به هر حال «پهلوان» بارش را در کابل می‌بندد. یعنی با شهردار کابل مذاکره می‌کند و ۴۰۰۰ متر زمین می‌گیرد، تمام مصالح ساختمانی به‌جز آب و خاک را از مشهد به کابل می‌برد و رستورانی را با ۱۸۰۰ متر زیربنا وسط آن معرکه برپا می‌کند که بعدها می‌شود پاتوق وزیران دولت افغانستان و حتی حامد کرزای به آنجا رفت و آمد می‌کند. البته خود پهلوان در خاطراتش چیز بیشتری از نحوه مذاکره با شهردار کابل از تریب می‌گوید تا بداندیم آیا برای گرفتن زمین‌های پدیده در مشهد هم به همین نحو با شهردار مشهد مذاکره کرده است یا خیر؟

واقعاً فکرش را نمی‌کرد؟
راستش را بخواهید درباره پرونده «پهلوان» و پدیده پهلوان نمی‌شود بیشتر از این چیزی گفت که تا امروز ندیده، نشنیده یا نخوانده باشید.

تویی که شناختیم... نشناختن ما!
در این گزارش نمی‌شود سر راست رفت سراغ «پهلوان» و بیوگرافی‌اش را نوشت. از خدا که پنهان نیست، از شما چه پنهان اگر سراغ اینترنت، ویکی پدیا و اینچور چیزها هم بروید، مطلب و مدرک دندانگیری درباره زندگی‌نامه، تولد، پدرش که بود... تحصیلاتش چقدر بود... قورمه سبزی بیشتر دوست دارد یا قیمة؟ پیدا نمی‌کنید. در دنیای مجازی اینترنت همه چیز «پهلوان» مثل زندگی هورت می‌کند کاش روزهاش باطل نشده باشد... خواهری پیامک می‌دهد که کل شب را نخوابیده، بیا استعانت... همکار باردار ۱۰ دفعه می‌رود تا دستشویی، عی می‌زند... عجیباً از امروز! کاش بخیر تمام شود.

اگر حوصله دارید که سیرت تا پیاز ماجرای «پدیده» و «پهلوان» را بخوانید، می‌توانید به این آدرس هم‌سرزنید: <http://qudsonline.ir/detail/News/256732> کمی پیش از دستگیری‌اش در مرداد سال ۹۵، «پهلوان» را دیدیم سنستگین و رنگین، با لباس گران‌قیمت و نسبتاً شیک می‌رفت. «پهلوان» انگار می‌دانست بزودی با اتهام کلاهبرداری، اختلال در نظام اقتصادی و تصرف غیرقانونی املاک کشور شاندیز دستگیر می‌شود.

شعبده تبلیغات
اطرافیان‌ش ممکن است هنوز هم معتقد باشند که «پهلوان» مدیر، زیرک و سختکوش بود، شم اقتصادی قوی داشت، راه‌های پول درآوردن را بو می‌کشید... همه این‌ها درست، اما خودش معتقد است رمز اصلی موفقیتش این است که «بازی تبلیغات» را از «معان بهزیستی» یاد گرفت.

برای همین در چهره و رفتارش از سرخوشی دوران مصاحبه با خبرنگاران که پاسخ همه پرسش‌ها را می‌داد و با موفقیت‌هایش می‌گفت، خبری نبود و گرنه از او می‌پرسیدیم: واقعاً فکرش را نمی‌کرد سوده‌ترین شرکت جهان به یکباره با اتهام‌های سنگین و متفاوت مالی روبرو شود و کارش یکسده به جاهای باریک و تمام رشته‌های «پهلوان» پنبه شود؟



... و اما افغانستان
حتی ما همشهری‌های «پهلوان» نقطه آغاز پهلوانی و پدیده شدن او را از مشهد و رستوران پدیده شاندیز می‌دانیم، ولی خود او می‌گوید: «پیش از اینکه رستوران پدیده شاندیز را افتتاح کنم، هنوز جنگ در افغانستان ادامه داشت و من سرمایه‌ای را که داشتم، برداشتم و به این کشور رفتم. آن زمان از ساعت ۶ بعدازظهر در کابل حکومت نظامی بود و سر و صدای درگیری‌ها از همه جا به گوش

شاهد عینی - قسمت ششم

اتک‌نگاری‌های علی‌نور آبادی از سفر به «معمولان»

مهتابی‌های سیل زده!

جوایی آمد و تعریف کرد که: «وقتی گفتند سیل می‌آید، چون خانه دیگری هم بالای بلوار داریم، قلیان را برداشتم و رفتم آنجا. یک ساعت بعد که برگشتم خانه پر آب بود!» «وحید» که فقط قلیانش را از سیل نجات داده بود ما را به خانه‌شان برد. حتی مهتابی‌ها که حدود ۳۰ سانتیمتر با سقف فاصله داشتند، زیر آب رفته بودند. اگر با چشم خودمان، رد گل‌آلود آب را زیر سقف ندیده بودیم باورمان نمی‌شد.

روی دیوار سمت کوچه سوراخ بزرگی به اندازه عبور آدم دیده می‌شد. «وحید» می‌گفت: «برای تخلیه آب هیچ راهی غیر از سوراخ کردن دیوار نداشتیم». آب به سرعت تخلیه شده بود، اما گل‌ولایی به ارتفاع یک متر از خود باقی گذاشته بود. پرسیدیم: چقدر از لوازم خانه را بردید؟ گفت: یکسری لوازم اصلی را بردیم، اما بیشترش توی آب ماند و خراب شد. تقصیر خودمان بود... از ۹۷، سه روز قبل گفته بودند تخلیه کنید، کوتاهی کردیم... فکر نمی‌کردیم این قدر آب بالا بیاید... گفتیم نهایتاً حیاط پر آب می‌شود... اما ساعت ۹ و ۸ صبح، آب ترکید!

داماد خانواده هم آمد و مثل «وحید» مشغول کمک به ما شد. با کرت گر (به لهجه اهالی آنجا) یا کرا (به لهجه شیرازی‌ها) گل‌ها را می‌کشیدند و از ته حیاط به جلو در می‌آوردند تا ما آن‌ها را به بیرون از حیاط ببریم. گروه‌های دو، سه نفره بچه‌ها هر کدام از گوشه‌های شروع می‌کردند. سانتیمتر به سانتیمتر پیشروی می‌کردیم.

ظاهر، راه برای ورود لوادرهای کوچک (بایگت) به حیاط باز شد. هر کدامشان از جایی آمده بودند شهرداری معمولان، گروه جهادی هیئت علی اکبر همدان، شبکه جوانان خراسان رضوی و... بایگت با هر بیلش، کلی از گل‌ها را برمی‌داشت‌اگر همین طور پیش می‌رفت، کار خیلی زود تمام می‌شد، اما کمی جلوتر که رفتیم، بایگت‌های تر و فز هم عاجز شدند. موزاییک‌های کف حیاط از بین رفته و به جایش گل‌ولای خیس و لغزنده مانده بود. لوادر کوچک که بیلش را بر می‌کرد، سنگین می‌شد، چرخ‌هایش یکساید می‌کرد و بعد در زمین خیس و گل‌آلود فرو می‌رفت. آن وقت کار به بن‌بست می‌رسید تا لوادر دیگری بیاید، از بیرون حیاط سیم بکسل بیندازد و لوادر در گل مانده را نجات بدهد... ادامه دارد

ربنا و رطب

قند توی دلم آب می‌شود

حسین احمدی: سجد می‌کنم. قند توی دلم آب می‌شود و درگوشی حرف می‌زنم یا او که از رگ گردن نزدیک‌تر است.

از عیش نماز جماعت و از رحل‌هایی که دانه دانه با می‌شوند، می‌گویم. از لیلی‌های پیر و جوانی که به میهمانی مسجد آمده‌اند. از کسی که گلاب می‌پاشد و کسی که به نیت افطار، لقمه نان و حلوا پخش می‌کند.

سکوت کدام است... نمی‌شود با صاحبخانه بیچ تک‌تک! از هفتمین روز رمضان نکویم که متسبب پشت تمام نورگیرها ایستاد، از صلوات که طعمش تومنی هفت صنار توفیر دارد اینجلا... و از برقی که در چشم روزی اول صید می‌شود.

روزمره نگاری

اسب مراد کجاست؟

رقیه توسلی: وای به روزی که از دنده چپ بلند شوی! انگار همه عالم صف می‌کشند رویه‌بریت. از رنگدانه ته کشیده موهایت بگیر تا هوار نوزادی که پیداست جایش را خیس کرده و آدم‌زادی تا صدمتری‌اش یافت نمی‌شود.

تجربه کردم! از دنده راست که بیدار نشوی، آن‌روز بی‌شک قطعی می‌زند به خانه‌ات، به ذخیره قند و جای و نمکت. قولنج گردن می‌گیری، کارت را دستگاه عابر قورمت می‌دهد، ۱۰ داروخانه را هم که گز کنی قرص واجب آب می‌شود می‌رود توی زمین!

چور ناچورست این دنده... نمی‌دانی چند نفر تا لیه تیغ رفته‌اند اما دنده چپ یک‌جورهایی همان لیه تیغ است... برنده، دیوانه، ترسناک، نفس بُرا جایی که احساس امنیت پُر می‌کشد و هوا، ساعت یک بعدازظهر تاریک است.

ریا نباشد امروز یکی از همان روزهاست... روز دنده چپی... سمندی لطف می‌کند پشت چراغ قرمز می‌کوید به شامین... جای پارک را آقایی جنتلمن بناحق هورت می‌کند کاش روزهاش باطل نشده باشد... خواهری پیامک می‌دهد که کل شب را نخوابیده، بیا استعانت... همکار باردار ۱۰ دفعه می‌رود تا دستشویی، عی می‌زند... عجیباً از امروز! کاش بخیر تمام شود.

می‌نشینم رویه‌روی وازه‌های لاتین و شسنا می‌کنم در جمالت. حیرت‌انگیز اینجاست که حجم رویدادها و دردها پزیرنگ نیستند دیگر و کار، دنده چپ از ضربه فنی می‌کند.

چقدر خوب! ظاهر از راه می‌رسد و انگار توانست‌سوار سوار بر قایق کارو بزنم و دور شوم از مخصصه، از هم‌راهی اتفاقات ناخوشایند.

در حال جابه‌جایی پوشه‌هایم که صفحه تلفن روشن می‌شود. اسم را متعجبانه می‌خوانم: «مهربانو»، رفیق روزنامه‌چم. باید حتماً به این تماس جواب بدهم. می‌دهم. ۱۰ دقیقه بعد، بی‌ای و شسکی ولو می‌شوم پشت میز. خبرهای تلخ شنیدیم! اما آن گران‌ی کاغذ... اسمان از بی‌مهری متولیان مطبوعات... از روزنامه‌های رو به موت... از بغض کارگران روزهداری که دستشان به هیچ جا بند نیست، اسمان از روز دنده چپی!



مجازآباد

فراموش نمی‌کنیم

پس از حواشی افطاری سفارت انگلیس در تهران، «راب مک ایر» سفیر این کشور در ایران، در توییتش نوشت: «انتقادهای بسیار عجیبی علیه برنامه افطاری رسمی اخیر سفارت مطرح شده است. دیپلمات‌های ایرانی و غیرایرانی هر هفته برنامه‌های مشابهی در کشورهای دیگر انجام می‌دهند. مراسم افطار به نشانه احترام به اسلام و با توجه به اینکه میهمان‌نوازی از خصلت‌های برجسته ایرانی‌ها می‌باشد، برگزار شد.»

پسند توییتی سفیر انگلیس بازتاب زیادی در فضای مجازی داشت و یکی از کاربران در پاسخ به آقای سفیر نوشت: «جناب سفیر شما زحمت بکشید شفاف‌سازی کنید و فیرست اسامی مهمون‌هاتون رو در این میهمانی خصوصی منتشر کنید تا جلو این انتقادات به قول شما عجیب گرفته بشه. ملت ایران توطئه‌هایی که انگلیس از طریق سفارت‌تخونه‌هاش توی سه قرن اخیر انجام داده رو فراموش نمی‌کنه.»

هنر حرفه‌ای به جای دست و پا زدن

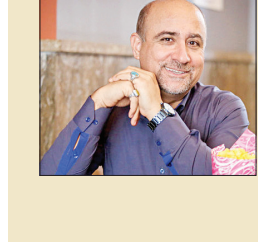
پس از فوت «بهنام صفوی» هشتک مربوط به نام این خواننده در توییت فارسی داغ شد و کاربران در قالب این هشتک، در گذشت این خواننده را به جامعه هنری تسلیت گفتند. کاربری در این باره نوشته است: «هنرمند خوبمون بهنام صفوی هم سلبریتی بود، برخلاف باقی سلبریتی‌ها، دیده شدن رو در ارائه حرفه‌ای هنر می‌دیدند نه دست و پا زدن در سیاست! همین بی‌حاشیه بودنش موجب شده که چپ و راست از درگذشتش ناراحت... جایی گفته بود دغدغه‌ام ساخت آهنگ‌های دفاع مقدسه، روحت شاد...»

دکل رانتی!

کاربران فضای مجازی با انتشار تصویری از یک دکل آنتن دهی سیار ادعا می‌کنند این دکل آنتن‌دهی مخصوص خانواده وزیر ارتباطات به یکی از روستاهای اطراف تهران آورده شده است. یکی از کاربران در قالب هشتک #دکل-رانتی در توییت نوشت: «تا سال ۱۳۹۶ مردم یک روستا در نزدیکی پایتخت از ارتباطات موبایلی تقریباً محروم بوده‌اند، اما سال ۹۷ یک #کل-رانتی در این روستا مستقر می‌شود، پیگیری‌ها نشان می‌دهد ویلای خانوادگی وزیر ارتباطات در این روستا مستقر است.»

شماره ترامپ را زیر نویس کنید!

سعید بیابانکی، شاعر و طنزپرداز کشورمان با انتشار توییتی به اقدام اخیر دونالد ترامپ واکنش نشان داد و در این رابطه پیشنهاد جالبی خطاب به مسئولان داد. بیابانکی در توییت نوشت: «من جای مسئولان بوم شماره ترامپ رو زیرنویس می‌کردم توی شبکه خبر... ملت بیچاره‌اش کنن...»



انتشار خاطرات سیدحسین نصرالله از آیت‌الله بهجت

باشگاه خبرنگاران: کتاب «پدر معنوی حزب‌الله» مجموعه خاطرات و تحلیل‌های سیدحسین نصرالله درباره آیت الله بهجت توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شد. در بخشی از این کتاب

که به صورت گفت‌وگو با سیدحسین نصرالله است، آمده است: «بندۀ شخصاً بسیاری از چیزهایی را که در مورد حضرت شیخ بهجت نوشته و جمع‌آوری شده بود، خواندم، ولی معتقدم آیت‌الله بهجت در واقع پدری معنوی بودند و ما نیز ایشان را پدری معنوی می‌دانستیم. این موضوع پس از رحلت امام خمینی تقویت شد.»

بهنام صفوی در گذشت

خداحافظی با پسر مؤدب موسیقی پاپ ایران

فرهنگ و هنر: رضا فؤادیان، مدیر برنامه های بهنام صفوی، از درگذشت این هنرمند در صبح روز گذشته خبر داد.
به گفته فؤادیان، بهنام صفوی پس از ۶ سال تحمل بیماری ضایعه مغزی صبح دیروز

در اصفهان به دیار باقی شتافت.

بررسی «جایگاه حضرت علی (علیه‌السلام) در ادبیات ایران»

ایبنا:انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به مناسبت فرارسیدن هزار و چهارصدمین سالگرد شهادت حضرت علی(ع) و ۲۵ اردیبهشت، روز بزرگداشت فردوسی و پاسداشت زبان فارسی، نشست تخصصی «جایگاه حضرت علی(ع) در ادبیات منظوم و منثور ایران» را برگزار می‌کند.
در این برنامه که چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ از ساعت ۱۷ تا ۱۹ت برگزار خواهد شد، حسن بلخاری، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مهدی محقق، رئیس هیئتمدیره انجمن، علی موسوی گرمارودی، شاعر و چهره ماندگار و احمد تمیم‌داری، استاد ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی سخنرانی خواهند کرد.



ا فرهنگ و هنر/ صبا کریمی | براساس گزارش خبرگزاری صداسویما و آمار منتشر شده از مرکز آمار ایران، ۹۱،۴ درصد مردم ایران بیننده برنامه‌های سیما هستند؛ این در حالی است که برنامه‌های ترکیبی دینی، گفت‌وگو محور و ویژه‌برنامه‌های مذهبی بخش قابل توجهی از برنامه‌های تلویزیون را بویژه در ماه رمضان، محرم و دیگر مناسبت‌های تاریخی به خود اختصاص داده است. با این حال اما سؤوال اینجاست که تا چه‌اندازه این برنامه‌ها در تبلیغ و ترویج دین مؤثر بوده اند و ساخت آن‌ها تا چه میزان برپایه نیاز مخاطب و جامعه امروز بنانهاده شده است.
مجید یراق‌بافان از مجریان قدیمی رادیو و تلویزیون است که نخستین برنامه سحرگاهی تلویزیون را با عنوان «شمیم سحر» تهیه و کارگردانی کرده و روی آنتن برده است. وی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی دارد و در کارنامه کاری خود ده‌ها برنامه دینی را تهیه کرده و مجری بسیاری از برنامه‌های ترکیبی و مذهبی بوده است. با او درباره برنامه‌سازی دینی و آسیب‌ها و فرصت‌های چنین تولیداتی به گفت‌وگو پرداختیم که مشروح آن را می‌خوانید.

◆ شاید از نخستین پرسش‌هایی که درباره برنامه‌های ترکیبی و دینی تلویزیون در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود، این باشد که چرا فضای این برنامه‌ها اغلب حزن‌آلود یا بسیار جدی است و در بسیاری از این برنامه‌ها خبری از نشاط و شادی نیست؟

به نظرم در این بحث دو نکته اساسی وجود دارد؛ نخست اینکه تعریف ما از شادایی اشتباه است و کسانی که این شیوه را وارد می‌کنند که برنامه‌های ترکیبی و مذهبی فضای آکنده از غم را ترویج می‌کنند، اساساً تعریفشان از شادی، تعریف متفاوتی است

و یک سرگشتگی، تحیر و یک شادی زودگذر و کم‌عمق را مدنظر دارند. مگر ما جلسه روضه سیدالشهدا(ع) نمی‌رویم که به‌ظاهر غم و حزن است، اما پس از آنکه بیرون می‌آییم و سفره اطعام تمام می‌شود، همین بچه هیبتی‌ها با یکدیگر مزاج می‌کنند. درحقیقت شادایی، نشاط و بهجت درونی که درون آن‌ها وجود دارد و همه وجودشان را پر از انرژی کرده است سبب چنین حالتی است و اگر چندین جلسه فکاهی و خنده‌هم می‌رفتند باز این شادی و بهجت عمیق در دلشان ایجاد نمی‌شد.

بر همین اساس معتقدم که تعریف ما از شادی و سرزندگی بر مبنای القای فرایند مدرنیته، تجدد و دنیای مدرن امروز شکل گرفته است. این شادایی مدرن ویژگی‌اش چیست؟ زودگذر و کم‌عمق است و پیمای القای نمی‌کند و البته که مانایی هم ندارد؛ این ویژگی شادایی مدرن است و اگر منظور شما این است که چرا برنامه‌های ما چنین ویژگی را ندارند، من می‌گویم الحمدلله که ندارند؛ اما اگر منظورتان این است که باید یک مقدار شادی و سرزندگی را که موجب جذب مخاطب شود، به برنامه‌ها تزریق کنیم، می‌گویم بله! درست است. در عین حال که نمی‌خواهیم در دام این ادعایی که توضیح دادم بیفتیم و خودمان را توجیه کنیم، اما متأسفانه ما هم در حوزه برنامه‌های دینی شادایی‌آفرین ضعیف هستیم. یعنی مهارت انتشار شادی دینی را نداریم، نه فقط در رسانه‌ها و تلویزیون بلکه در اساس شادی دینی را یا نشناخته‌ایم یا نمی‌دانیم چگونه باید آن را به مخاطب انتقال دهیم.

◆ به نکته خوبی اشاره کردید. شاید ما تعریف درستی از شادی نداریم و این سنگ بنا را از همان ابتدا درست نچیده‌ایم. بنا به گفته کارشناسان حوزه علمیه، آن‌ها

گفت‌وگویی قدسی با مجید یراق‌بافان

درباره وضعیت برنامه‌سازی دینی

حلقه مفقوده‌ما

شناخت نیاز

مخاطب‌است

مشتاق به همکاری با تلویزیون هستند و این تعامل از سوی تلویزیون اتفاق نیفتاده است. این فضای مشارکت و تعامل چگونه باید به وجود بیاید؟

من خیلی موافق این مطلب نیستم. وقتی در یک ماجرای دو سر طیف وجود دارد اینکه یک طرف مدعی و مطالبه‌گر باشد و ما آن را ملاک قرار بدهیم کار درستی نیست. اینکه کارشناسان حوزه می‌گویند ما آمادگی همکاری داریم اما تلویزیون از ما استفاده نمی‌کند را که نمی‌توانیم ملاک قرار بدهیم. شما می‌دانید که ما چقدر از همین آقایان را برای حضور در تلویزیون دعوت می‌کنیم و می‌گویند وقت نداریم و نمی‌آییم. آیا این درست است که این را به همه حوزه علمیه تسری بدهیم و بگوییم که آقایان حوزه علمیه با ما همکاری نمی‌کنند. به نظرم هیچ کدام از این ادعاها درست نیست. من معتقدم این کار تنها با توافق و تفاهمنامه و جلسات مشترک بین حوزه و تلویزیون حل نمی‌شود.

◆ پس راه حل آن چیست و این بخش به چه چیزی نیاز دارد؟

تلویزیون بویژه در حوزه و قلمرو دین باید به میان مردم برود و سلیق و علائق، نیازها، پرسش‌های ذهنی و مطالبات آن‌ها را احصا کند. پیش از آنکه با کارشناسان مرتبط نشست مشترک برگزار کنیم و خودمان عقل کل شویم. برای مخاطب تصمیم بگیریم، بهتر است در وهله نخست بررسی کنیم که نیاز مخاطب چیست و چه چیزی می‌خواهد. این بسیار مهم است و در واقع حلقه مفقوده ما همین جاست.

در مرحله بعدی و پس از نیازسنجی و داده‌برزاری اطلاعات مشخص می‌شود که مردم در قلمرو دین چه نیازها و پرسش‌هایی درباره احکام، اصول دین و مذهب، مسائل اجتماعی و سبک زندگی دینی

دارند سپس باید این نیازها به ترتیب فراوانی اولویت‌بندی شود. پس از آن باید اتاق فکری ایجاد شود که فقط برنامه‌ساز تلویزیون و استاد حوزه در آن حضور ندارد، بلکه وجود جامعه‌شناس، روان‌شناس، کارشناس ارتباطات، نخبه مدیریت فرهنگی و… در این اتاق فکر به عنوان یک ضرورت مطرح است. این‌ها همه باید با هم جمع شوند و مطالبه و خواسته مخاطب را در ابعاد روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، مدیریت فرهنگی، امنیتی و اجتماعی بررسی کنند.

پس از گذر از این مرحله است که کارشناس دینی و کارشناس تلویزیون باید با یکدیگر فرم و شکل برنامه را طراحی کنند. این فرایند همیشه اتفاق نمی‌افتد، نمی‌خواهم بگویم اصلاً وجود ندارد، زیرا حتماً ظلم به برخی همکاریانی است که این موارد را رعایت می‌کند و البته تعدادشان خیلی کم است، اما عموماً برنامه‌هایی که این فرایند را طی می‌کنند بسیار محدود هستند.

بنابراین تازمانی که این اتفاق رخ ندهد و یک تهیه‌کننده و برنامه‌ساز به تهایی برای مخاطب تصمیم بگیرد و همه این فرایند را خودش انجام دهد، مخاطب آن اندازه که باید و شاید به تلویزیون اقبال نشان نمی‌دهد. از سویی دیگر اگر حوزه علمیه نیز به صورت مستقل برای نیاز مخاطب تصمیم بگیرد که در حوزه دین فقط به یک سری مطالب و موارد مشخص بپردازد، طبیعتاً آن هم براساس استنتاج و علاقه شخصی خودش خواهد بود و باز هم به نتیجه نمی‌رسیم.

◆ سؤال اینجاست با اینکه این نکات اصولی و درست است اما عجیب نیست که هر سال این تعداد برنامه ساخته می‌شود، اما این موارد در برنامه‌سازی‌ها لحاظ نمی‌شود و برخی برنامه‌ها یکی از دیگری ضعیف‌تر هستند؟

من این‌گونه فکر نمی‌کنم که هر سال بدتر از سال پیش هستیم و هر سال کار ضعیف تولید می‌شود، بلکه این ادعای شماس‌ت، باید برای چنین حرفی دلیل بیاوریم و با یک کار پیمایشی آن را اثبات کنیم. به عقیده من باید این‌گونه برنامه‌ها با ساختار مشخصی که به آن اشاره کردم ساخته شود و این یک حالت ایده‌آل است، اما اینکه بگوییم هر سال بدتر از سال پیش است ادعای اثبات شده‌ای نیست. این درست است که باید این موارد رعایت شود. همان‌طور که بیشتر هم گفتم شاید در برخی برنامه‌ها این مؤلفه‌ها لحاظ شود و البته برنامه‌هایی که این موارد را رعایت می‌کنند، تعدادشان محدود است.

◆ شما سال‌هاست در این شکل از برنامه‌سازی دستی بر آتش دارید و فعالیت می‌کنید؛ به نظر شما برنامه‌ای که بتواند مخاطب را از میان انتخاب‌های متعددی که برای سرگرمی دارد، جذب کند چیست؟

نخست اینکه باید صداقت داشته باشد و برای بیننده‌اش باورپذیر باشد. مخاطب باید به این باور برسد که مجری نمی‌خواهد خودش را به رخ بکشد، در وهله دوم اینکه برنامه نمی‌خواهد به او القا کند که توی سواد و چیزی نمی‌دانی و من آمدم که تو را هدایت کنم. سوم اینکه به چیزهایی که گفته می‌شود اعتقاد داشته باشد و اجبار و الزامی در کار نباشد. به نظرم تنها چیزی که می‌تواند این ارتباط را به وجود بیاورد و برنامه‌ای تأثیرگذار باشد، صداقت داشتن با مخاطب و جلب و جذب اعتماد اوست.

◆ به عنوان پرسشش آخر شما با فرم و شیوه تقریباً ثابت ساخت و اجرای برنامه‌های ترکیبی مذهبی به شکل گفت‌وگوی کارشناس-مجری موافق هستید؟

بی‌تردید این یکی از زائره‌های برنامه‌سازی است و البته همه برنامه‌های معارفی ما هم در این شکل نیستند، اما به نظرم باید درصد و بخشی از فرم‌های متعدد برنامه‌سازی ما در تلویزیون وجود داشته باشد و این شکل از برنامه‌سازی هنوز هم می‌تواند موفق باشد.

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی

در اجرای مادهٔ ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ بدینوسیله آگهی اوراق مالیاتی با مشخصات زیر به مؤدیان نامبرده ابلاغ می‌گردد تا در زمان و مکان تعیین شده

مراجعه و نسبت به رفع اختلاف احتمالی برابر مقررات اقدام نمایند ، بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی رفتار خواهد شد .

ردیف	کلاس	نام مؤدی	سال عملکرد	شماره و تاریخ برگ	نوع برگ	منبع مالیاتی	مبلغ مالیات به ریال	تاریخ مراجعه	محل مراجعه
۹۸	۱۹۰	شرکت رایان مهر	۱۳۹۱ <p>۱،۲،۳،۴</p>	۱۷۲۴۵۵ - ۱۳۹۱/۰۱/۱۸	رای هیات بدوی	ارزش افزوده	۳،۲۵۰،۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۹	۱۹۰	شرکت رایان مهر	۱۳۹۲ <p>۱،۲،۳،۴</p>	۱۷۲۴۷۷ - ۱۳۹۲/۰۱/۱۸	رای هیات بدوی	ارزش افزوده	۹،۰۰۰،۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۰	۱۹۰	شرکت رایان مهر	۱۳۹۳ <p>۱،۲،۳،۴</p>	۱۷۲۴۸۱ - ۱۳۹۲/۰۱/۱۸	رای هیات بدوی	ارزش افزوده	۱۴،۴۰۰،۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۱	۱۴/۰۷۳	مصطفی حسین پور	۱۳۹۲ <p>۳،۴</p>	۴۵۵۴۸ - ۱۳۹۲/۰۳/۲۱	رای هیات بدوی	ارزش افزوده	۴،۸۰۰،۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۲	۱۴/۰۷۴	مصطفی حسین پور	۱۳۹۳ <p>۱،۲،۳،۴</p>	۴۵۵۴۸ - ۱۳۹۲/۰۳/۲۱	رای هیات بدوی	ارزش افزوده	۱۲،۸۰۰،۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۳	۱۴/۰۷۵	مصطفی حسین پور	۱۳۹۴ <p>۱،۲،۳،۴</p>	۱۴۵۵۴۸ - ۱۳۹۲/۰۳/۲۱	رای هیات بدوی	ارزش افزوده	۱۳،۳۲۰،۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۴	۱۴/۰۷۹	علی محبی	۱۳۹۴ <p>۱،۲،۳،۴</p>	۵۲۹۳۷ - ۱۳۹۲/۰۴/۰۹	رای هیات بدوی	ارزش افزوده	۱۶۵،۵۰۰،۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۵	۱۱/۰۶۳	عبدالرضا نظری	۱۳۸۹ <p>۳،۴</p>	۱۹۰۴۹۱ - ۱۳۹۲/۰۳/۲۱	رای هیات بدوی	ارزش افزوده	۹۵۰،۰۰۰،۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۶	۳۳۹۰۰۰/۸۰۰	محمد کلکم پیرمانی	۱۳۹۴ <p>۱۳-۱۷۲۴۶۴</p>	۱۳۹۲/۱۲/۱۳	برگ تشخیص	مشاغل	۱،۱۹۱،۰۰۰،۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۰۷	۳۳۹۰۰۰/۸۰۰	محمد کلکم پیرمانی	۱۳۹۵ <p>۱۳-۱۶۲۶۴۴</p>	۱۳۹۲/۱۲/۱۶	برگ تشخیص	مشاغل	۴۲۵،۰۰۰،۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۰۸	۳۳۹۰۰۰/۳۰۴	رضا طلوع	۱۳۹۲ <p>۱۶-۱۶۹۷۱۷</p>	۱۳۹۲/۱۲/۱۶	برگ تشخیص	مشاغل	۱۴۱،۸۴۴،۶۰۹	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۰۹	۳۳۹۰۰۰/۲۱۴	محمد حرابی محمود آبادی	۱۳۹۵ <p>۱۶-۱۶۸۴۰۳</p>	۱۳۹۲/۱۲/۱۶	برگ تشخیص	مشاغل	۴۹۶،۱۰۱،۰۴۴	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۱۰	۳۳۹۰۰۰/۲۷۹	حسین انباز	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۱۳۶۴</p>	۱۳۹۲/۱۱/۲۴	برگ تشخیص	مشاغل	۱۵۶،۱۰۶،۹۵۱	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۱۱	۳۳۹۰۰۰/۲۵۵	احسان زاهد زاده	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۱۳۸۸</p>	۱۳۹۲/۱۱/۲۴	برگ تشخیص	مشاغل	۱۳۱،۰۱۴،۹۸۸	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۱۲	۳۳۹۰۰۰/۲۲۱	علیرضا رحیمی	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۱۳۳۲</p>	۱۳۹۲/۱۱/۲۴	برگ تشخیص	مشاغل	۱۰۵،۳۴۱،۰۸۶	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۱۳	۳۳۹۰۰۰/۵۰۴	سیدضیفرن موسوی	۱۳۹۵ <p>۱۶-۱۶۲۴۳۵</p>	۱۳۹۲/۱۲/۱۳	برگ تشخیص	مشاغل	۳۷۶،۳۵۰،۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۱۴	۳۳۹۰۰۰/۷۰۰	مرحان گلش دیوز بیزد	۱۳۹۵ <p>۱۵-۱۵۹۱۸۱</p>	۱۳۹۲/۱۲/۰۱	برگ تشخیص	مشاغل	۱۵۰،۷۰۰،۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۱۵	۳۳۹۰۰۰/۷۰۲	رضا نوروزی بنواژ ناظر	۱۳۹۵ <p>۱۵-۱۵۹۱۲۰</p>	۱۳۹۲/۱۲/۰۱	برگ تشخیص	مشاغل	۶۵۲،۱۷۵،۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۱۶	۳۳۹۰۰۰/۴۵۴	محمد قربانی	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۰۷۵۵</p>	۱۳۹۲/۱۲/۰۱	برگ تشخیص	مشاغل	۱۱۸،۱۱۹،۲۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۱۷	۳۳۹۰۰۰/۷۱۶	میترا پیرادیان	۱۳۹۵ <p>۱۶-۱۶۳۵۱۶</p>	۱۳۹۲/۱۲/۰۶	برگ تشخیص	مشاغل	۱۱۴،۵۵۰،۵۳۴	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۱۸	۳۳۹۰۰۰/۷۳۶	مجید پیرخوان	۱۳۹۵ <p>۱۶-۱۶۳۴۷۷</p>	۱۳۹۲/۱۲/۰۶	تخفیف	مشاغل	۴۶۶،۷۱۴،۵۹۹	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۱۹	۳۳۹۰۰۰/۴۵۴	محمد قربانی	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۹۰۷۵</p>	۱۳۹۲/۱۲/۰۱	تخفیف	مشاغل	۱۱۸،۱۱۹،۲۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۲۰	۳۳۹۰۰۰/۵۰۹	حسن گلکار	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۴۹۸۸</p>	۱۳۹۲/۱۲/۰۱	تخفیف	مشاغل	۱۵۵،۱۳۶،۶۶۴	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۲۱	۳۳۹۰۰۰/۴۰۹	محمد میرزایی	۱۳۹۵ <p>۱۵-۱۵۹۱۹۳</p>	۱۳۹۲/۱۲/۰۱	تخفیف	مشاغل	۱۲۸،۰۰۹،۶۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۲۲	۳۳۹۰۰۰/۴۴۶	جلیل جمشیدی	۱۳۹۵ <p>۱۶-۱۶۳۵۲۵</p>	۱۳۹۲/۱۲/۰۶	تخفیف	مشاغل	۱۶۵،۹۹۶،۴۰۴	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۲۳	۳۴۹۰۰۰/۵۴۶	امیرعلی حسین زاده	۱۳۹۵ <p>۱۶-۱۶۳۵۲۳</p>	۱۳۹۲/۱۲/۰۶	تخفیف	مشاغل	۱۳۵،۴۰۰،۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۲۴	۳۳۹۰۰۰/۴۹۱	غلام علی	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۰۷۵۵</p>	۱۳۹۲/۱۱/۲۴	تخفیف	مشاغل	۷۲،۷۱۶،۱۴۸	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۲۵	۳۳۹۰۰۰/۵۱۶	ماداد تنابگویی	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۱۴۳۲</p>	۱۳۹۲/۱۱/۲۴	تخفیف	مشاغل	۱۰۱،۵۷۲،۵۶۶	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۲۶	۳۳۹۰۰۰/۲۱۶	محمد رضا قمری	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۰۷۰۴</p>	۱۳۹۲/۱۱/۲۹	تخفیف	مشاغل	۴۷۹،۶۷۴،۱۶۶	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۲۷	۳۳۹۰۰۰/۴۹۸	مجید درانی	۱۳۹۲ <p>۱۴-۱۵۱۵۷۰</p>	۱۳۹۲/۱۲/۱۴	تخفیف	مشاغل	۱۴۰،۳۷۱،۷۹۳	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۲۸	۳۳۹۰۰۰/۴۶۵	کیوان نصیر زاده	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۱۴۸۸</p>	۱۳۹۲/۱۱/۲۴	تخفیف	مشاغل	۱۲۰،۰۲۸،۳۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۲۹	۳۳۹۰۰۰/۵۰۱	علی طغی	۱۳۹۲ <p>۱۵-۱۵۱۳۸۸</p>	۱۳۹۲/۱۱/۲۴	تخفیف	مشاغل	۱۷۸،۳۳۴،۹۳۳	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۱۳۰	۳۳۹۰۰۰/۳۰۸	سید تقی رسول زاده طباطبایی	۱۳۹۲ <p>۱۱/۲۴</p>	۱۵۱۳۷۷	تخفیف	مشاغل	۱۱۶،۲۶۷،۰۹۴	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نیش هاشمی نژاد ۲۰/۱ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷

ردیف	کلاس	نام مؤدی	سال عملکرد	شماره و تاریخ برگ	نوع برگ	منبع مالیاتی	مبلغ مالیات به ریال	تاریخ مراجعه	محل مراجعه
۷۶	۷۴۸۰۰۷	محمد محمود زاده ضمیرنگی وشرکا (معصم زمشکانش)	۱۳۹۶ <p>۱۲،۳،۴</p>	۱۹۴۶۵۳۴-۱ ۱۳۹۵/۰۳/۲۱	برگ مطالبه	ارزش افزوده	۱۳۵۰،۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۷۷	۳۹۷۴۲۹	شرکت خدمات مهندسی آب و فکک پتهاب	۱۳۸۸ <p>۲</p>	۰۱-۱۹۶۴۷۰۶۶۵ ۱۳۹۵/۰۶/۲۸	برگ مطالبه	ارزش افزوده	۵۲۵،۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۷۸	۳۹۷۴۲۹	شرکت خدمات مهندسی آب و فکک پتهاب	۱۳۹۰ <p>۳</p>	۰۱-۱۹۶۴۷۰۷۹۰-۱ ۱۳۹۵/۰۶/۲۸	برگ مطالبه	ارزش افزوده	۱۷۰،۰۰۴،۵۴۹		